قدرت نماد؛ نماد گزاره‌نگار

آن‌چه که مقصود اصلی من است، این است که همین‌طور که این قدرت نماد است که این همه پایه‌ها را بالا می‌آورد و لایه‌های بالایی از آن تشکیل می‌دهد، آن چیزی که سبب شد نسل اول هوش مصنوعی، خیلی توانست پیشرفت خودش را انجام دهد -تا قبل از این‌که به زمستان برسد- و آن چیزی که باعث شد بتواند این خیز را بردارد، این نبود که صرفاً جبر بولی بیاید و بگوییم درست و غلط. این، یکی از چیزهای مهمش بود، اما آن چیز اصلی‌اش همان چیزی بود که ما به آن تفکر نمادین می‌گوییم. این نماد، در این‌جا، نماد گزاره‌نگار است. انواع نمادها داریم که از جمله نمادهای عددنگار، نمادهای لفظ‌نگار، نمادهای کذا و نمادهای معنانگار هستند و یک نوع نماد بسیار مهم نیز، نماد گزاره‌نگار است. نماد گزاره‌نگار، یعنی شما یک نماد می‌آوری که این نماد، یعنی گزاره و یک جمله، نه یعنی یک معنا. علامت مساوی یا علامت جمع، معنانگار است و یک معنای مفرد را نشان می‌دهد. اما وقتی می‌گوییم P و Q، یعنی یک قضیه، یک گزاره و یک جمله. بنابراین اگر ما می‌گوییم 0 یعنی دروغ و 1 یعنی راست، فقط زمانی می‌توانیم صحیح و غلط را برای فراهم کردن پایه ماشین به کار بگیریم که نماد گزاره‌نگار در کار بیاید. یعنی یک نمادی به‌عنوان مفرد که روابط بین قضایا را برقرار می‌کند؛ همان منطق گزاره‌ها و منطق‌های بعدی. این پیشرفت منطق نمادها بود که یک چیز بسیار مهمی را برای آن فراهم کرد و آن نمادهای گزاره‌نگار بود. این‌جا است که می‌گوییم فکر نمادین و هوش نمادین، در فضای این هوش نمادین که در نسل اول بود، این نماد، نه یعنی نماد کاراکتر و نه یعنی نماد ریاضی، بلکه این نماد، یعنی قضیه و گزاره و ارتباط بین قضایا و فکر انسان که با گزاره‌ها که اگر به‌صورت محتوا رفتار کند، منطق محمولات می‌شود، یا با گزاره‌ها به‌عنوان یک نقطه و واحد رفتار کند که منطق گزاره‌ها می‌شود.

بنابراین متوجه این باشیم که یکی از قدرت‌های مهم نماد، گزاره‌نگاری است که می‌تواند این کار را انجام دهد و روابط بین گزاره‌ها را به‌عنوان مفرد سامان دهد.

بازبینی #2
ایجاد شده 29 ژوئن 2025 16:17:38 توسط ... .
به روزرسانی شده 29 ژوئن 2025 16:30:10 توسط ... .